

# لبنان

## دموکراسی در بوته آزمایش

امیرهادی تاج بخش

اجلاس دوحه، طلایه‌دار دیپلماسی فعال و کارآمد در منطقه، قطع نظر از نتایج به دست آمده، آموزه‌ها و تجربیات زیادی برای تمامی مقامات، سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی منطقه و حتی جهان به ارمغان آورد. از یک سو، دیپلماسی فعال، پویا و رو به جلوی کشوری کوچک در منطقه‌ی خاورمیانه، که اقبال گسترده طرف‌های درگیر در لبنان، که پیشینه‌ی اختلافات ریشه‌دار آنان بر اهل سیاست پوشیده نیست، به فراخوان آن، که سرانجام پس از یک ماراتن ۵ روزه مذاکرات بی‌وقفه، به فرجامی بالنسبه ایده‌آل انجامید، نقش مهم قطر را به عنوان یک میانجی تمام عیار آشکار ساخت. از سوی دیگر، این واقعیت که کشوری همچون قطر که به واسطه استقرار شبکه جهانی الجزیره در آن، به طلایه‌دار رسانه‌ای منطقه بدل گردیده است، اینک خود را در عرصه دیپلماسی منطقی این چنین قدرتمندانه مطرح می‌نماید، برهان آشکاری است بر این نکته که دوحه گام‌های پیشرفت

در منطقه خاورمیانه را بسیار سریع‌تر و مطمئن‌تر از کشورهای دیگر که داعیه برتری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی دارند، برداشته است. و در این مورد خاص به نظر می‌رسد حتی بازیگردانان صفحه شطرنج لبنان نیز از ابتکار موفق دوحه، "مات" گردیدند.

بی‌تردید به دلایل بسیار، انتقاد از عربستان سعودی و مصر به ویژه به لحاظ حمایت‌های آشکار و نهان از جناح اکثریت حاکم در بیروت و نیز فواد سینیوره، نخست‌وزیر لبنان، و نیز ایران و سوریه به دلیل همگرایی‌های مذهبی سیاسی و به اعتقاد عده‌ای حتی فراتر از آن، با جنبش شیعی حزب‌الله، جهت ایفای چنین نقش حساسی در صحنه آوردگاه لبنان بسیار بیشتر از قطر بود. اما به هر حال در عین ناباوری، ابتکار عمل مقامات ارشد قطری، برگ‌برنده‌ای برای بازی‌های دور بعد این کشور، برای ایشان به ارمغان آورد.

### سند دوحه، ایده‌آل‌ترین فرجام ممکن

اما برخلاف نظر بسیاری از تحلیل‌گران منطقه‌ای و حتی جهانی، به اعتقاد نگارنده، با در نظر گرفتن پیشینه سال‌ها جنگ داخلی در لبنان و در شرایط بحرانی کنونی و نیز با توجه به نوع نگرش و بافت سیاسی افرادی که در پشت میزهای اجلاس نشسته بودند، سند دوحه، بی‌شک، ایده‌آل‌ترین فرجامی بود که قابل تصور به ذهن می‌رسید. دلایلی چند، این مدعا را تحکیم و تثبیت می‌نماید:

۱- توافق نامه‌ی دوحه در شرایطی منعقد گردید

که ادامه‌ی اختلاف میان گروه‌های سیاسی لبنان بر سر انتخاب ریاست جدید جمهوری، آن کشور را در آستانه‌ی یک جنگ داخلی تمام عیار قرار داده بود. در اوایل ماه مه (نیمه اول اردیبهشت)، در پی برخی تصمیمات محدودکننده‌ی دولت علییه جنبش حزب‌الله، شبه‌نظامیان این گروه با همراهی افراد گروه امل (افواج مقاومت لبنانیته) به نبرد مسلحانه علیه دولت فواد سینیوره برخاستند و در فاصله دوازده روزه، بیشتر مناطق بیروت را به تصرف خود درآوردند. لبنان که آشکارا در آستانه‌ی یک جنگ داخلی قرار گرفته بود، با میانجی‌گری اتحادیه‌ی عرب و ابتکار عمل قطر، از این مهلکه نجات یافت.

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد صرف توافق جناح اکثریت و اپوزیسیون در مورد نشستن بر سر میز مذاکره و سرانجام نیل به توافقی نسبتاً جامع در خصوص نحوه‌ی حل و فصل موضوعات و عوامل تشنج‌آفرینی‌های ۶

ماه گذشته لبنان، خود پیشرفت بسیار بزرگی در راستای برون‌رفت از بحران کنونی تلقی می‌گردد.

۲- ژنرال میشل سلیمان، کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه آمریکایی بیروت، که به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد، محبوبیت فوق‌العاده‌ای در بین مردم لبنان دارد. سلیمان پس از انتصاب به سمت فرماندهی ارتش در سال ۱۹۹۸، موفق شد تغییراتی ساختاری در تشکیلات ارتش به وجود آورد و آن را به شکل قابل قبولی تقویت کند. او که همواره نشان داده به نظام سیاسی و قانون اساسی لبنان وفادار است، در مقابله با گروه‌های افراطی در شمال و جنوب این کشور، که آخرین آن سرکوب رادیکالیست‌های فتح‌الاسلام در اردوگاه نهرالبارد در سال گذشته بود، دستاوردهای مثبتی در کارنامه خود دارد.

ژنرال سلیمان بخشی از محبوبیت خود را مدیون درایت فوق‌العاده در بی‌طرف نگاه داشتن ارتش، در جریان سه سال درگیری سیاسی در لبنان پس از ترور رفیق حریری است.

این همه در شرایطی است که هواداران جریان ۱۴ مارس (جناح اکثریت پارلمان) علی‌رغم میل باطنی، مجبور شدند سلیمان را بر "میشل عون"، رییس جریان آزاد ملی لبنان، که زمانی فرمانده ارتش این کشور بود، ترجیح دهند. گزینه‌های دیگر این جریان برای تصدی منصب ریاست جمهوری، "پطرس حرب" و "نصیب لحد" از اعضای پارلمان بودند. اما به هر حال، تحت فشار شرایط موجود در اجلاس دوحه، آنان مجبور شدند متفقاً بر سر ریاست جمهوری سلیمان توافق کنند.

تردیدی نیست که در چنین شرایطی آلترناتیو دیگری که مورد اجماع و اقبال تمام گروه‌های درگیر برای تصدی پست ریاست جمهوری باشد، قابل تصور نبود!

۳- تشکیل دولت وحدت ملی، یکی دیگر از توافقات عمده‌ی گروه‌های سیاسی لبنان در مذاکرات قطر بود. بر اساس سند دوحه، دولت وحدت ملی دارای ۳۰ وزیر خواهد بود که ۱۶ وزیر آن در اختیار اکثریت پارلمانی لبنان قرار خواهد گرفت. اکثریتی که هم‌اکنون در اختیار هواداران فواد سینیوره است که گروه "المستقبل" به ریاست "سعد حریری" فرزند رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان، بزرگترین بخش آن را تشکیل می‌دهد. ۱۱ کرسی دیگر کابینه از آن اپوزیسیون خواهد بود که حزب‌الله لبنان بزرگترین گروه آن است. سه وزیر دیگر را رییس جدید جمهوری لبنان انتخاب خواهد نمود.

اختصاص یازده پست وزارتی به اپوزیسیون، در واقع اعطای نوعی حق وتو به بلوک اقلیت تلقی می‌شود. در عین حال، به موجب سند دوحه، اسلحه





نظامی علیه شبکه‌های تندرو تروریستی در آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی و

متلاشی کردن شبکه‌های مزبور در همه مناطق و از بین بردن و یا بازداشت بیشتر اعضای این شبکه‌ها از سوابق کاری ژنرال سلیمان است.

حمایت از مقاومت تا آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، استقرار کامل نیروهای ارتش در سراسر خاک لبنان پس از

خروج ارتش سوریه از این کشور در سال ۲۰۰۵ و استقرار کامل نظم و امنیت و عدم مشاهده کوچکترین مورد شورش یا ناامنی تا سال ۲۰۰۷، بازسازی ساختار ارتش لبنان پس از اصلاح مقررات خدمت و وظیفه عمومی، تحکیم موضع ارتش در پشتیبانی از دموکراسی و ملی‌گرایی در چارچوب حفاظت از امنیت و حقوق مردم، از عملکردهای دیگری به شمار می‌روند.

در خصوص مواضع سیاسی میشل سلیمان گفتنی است که وی در میان لبنانی‌ها به ملی‌گرایی، جدیت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دفاع از میهن در برابر تجاوزهای خارجی، قدردانی از پیروزی‌های مقاومت به ویژه در عملیات آزادسازی جنوب لبنان و نیز آزاد کردن صدها اسیر لبنانی، معروف است.

ژنرال سلیمان توانست اقتدار از دست رفته‌ی ارتش را به عنوان حامی میهن و حافظ امنیت ملی به آن بازگرداند و در بی‌طرف نگاه داشتن ارتش در اختلافات سیاسی و حفظ فاصله برابر میان طرف‌های درگیر در لبنان، توفیق یابد. فرمانده سابق ارتش لبنان در جریان درگیری‌های اخیر بین شبه نظامیان گروه‌های مختلف در لبنان، اجازه نداد نیروهای ارتش وارد این درگیری‌ها شوند و در این شرایط، ارتش، تنها، عامل کمک به برقراری نظم و امنیت در کشور شد.

کشف فعالیت چند شبکه تروریستی و جاسوسی اسرائیل از دیگر مواردی بود که ژنرال سلیمان به خوبی از عهده آن برآمد. آخرین مورد این عملیات، کشف یک شبکه جاسوسی صهیونیست‌ها طی یک عملیات غافلگیرکننده در ژوئن سال ۲۰۰۶ بود.

### لبنان در آخرین تحلیل

اگرچه انتخاب مجدد فواد سینبوره به سمت نخست‌وزیر لبنان، از هم اکنون شائبه دخالت و اعمال فشار از سوی ایالات متحده، فرانسه، عربستان سعودی و مصر و انحراف از مسیر توافق

باید تنها در اختیار دولت باشد و هیچ گروه لبنانی تحت هیچ شرایطی نباید از سلاح و توسل به خشونت استفاده کند.

به نظر می‌رسد این بند از سند توافق نامه دوحه نیز، در این فرصت اندک و با شرایط موجود لبنان، به بهترین شکل طراحی شده بود.

به هر حال لبنان، کشوری با وضعیت سیاسی نظامی بسیار پیچیده است. از سویی، قانون اساسی این کشور از نگاه حقوق اساسی تطبیقی واجد تناقض‌های شگفت‌انگیزی است. بر اساس این قانون، ریاست جمهوری می‌بایست مسیحی، نخست‌وزیر از اهل تسنن و ریاست پارلمان شیعی مذهب باشد. حمایت و جانبداری برخی از کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای حسب مورد، نسبت به یکی از گرایش‌های تأثیرگذار سیاسی، همچواری با اسرائیل و بسیار موارد دیگر موجب شده که این کشور عضو جبهه پایداری در درون خود، عناصر، عوامل و باورهایی کاملاً پارادوکسیکال را در کنار یکدیگر جای دهد.

از سوی دیگر، بحران لبنان را می‌توان عمده‌تانی از چند مشکل ریشه‌ای در این کشور دانست. ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان، که در سال ۲۰۰۵ میلادی در اثر انفجاری مهیب در بیروت رخ داد و تلاش گروه ۱۴ مارس برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی جهت شناسایی و مجازات عامل و یا عاملین این ترور، یکی از این مشکلات است. انگشت اتهام گروه ۱۴ مارس، بیش و پیش از هر مظنون دیگری، به سمت دمشق اشاره می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات محوری در لبنان، نگاه جناح‌های مختلف به اسرائیل و ایالات متحده آمریکا است. اپوزیسیون مدت دو سال است که جریان ۱۴ مارس را مزدور اسرائیل و مجری طرح‌های آمریکا در منطقه می‌داند و در مقابل، جریان ۱۴ مارس، بخش عمده‌ای از نیروهای اپوزیسیون به ویژه جنبش شیعی حزب‌الله و حتی جنبش امل (افواج مقاومت لبنانیته) را وابسته و وامدار دمشق و تهران و به نوعی مطیع سیاست‌های این دو کشور می‌داند.

این همه، به عدم ایجاد یکپارچگی در احزاب، گروه‌ها و مقامات لبنانی برای نیل به کشوری مستقل، قدرتمند و توسعه یافته، منجر شده است.

### پیشینه، مواضع و سوابق عملکرد

#### ژنرال میشل سلیمان

ژنرال سلیمان که مسیحی مارونی است در دوره فعالیت نظامی خود موفق به دریافت ۱۲ مدال افتخار، لوح تقدیر و تقدیرنامه شده است. وی چهار دوره نظامی را در کشورهایی همچون بلژیک، فرانسه و ایالات متحده سپری کرده است. طراحی و فرماندهی عملیات

دوحه را به اذهان متبادر کرده است و شاید بهتر آن بود که ژنرال سلیمان علی‌رغم فشارهای موجود، در برابر چنین انتخابی ایستادگی کند، اما به هر حال و علی‌رغم نظر بسیاری از تحلیل‌گران غربی و منطقه‌ای که از توافق دوحه به یک "آتش بس" و نه "صلح واقعی" و یا "ماه عسل سیاسی" لبنان تعبیر کرده‌اند، به نظر می‌رسد وقایع لبنان را باید با خوشبینی تعقیب کرد و امیدوار بود که تمامی گروه‌های درگیر در لبنان، منافع گسترده "یک همگرایی" را به درستی درک کنند.

ژنرال سلیمان در نخستین سخنرانی خود پس از انتصاب به سمت ریاست جمهوری، اعلام کرد:

"پاسداری از لبنان و حفظ تمامیت ارضی آن و تلاش برای اجرای کامل قانون اساسی به منظور رساندن کشور به ساحل نجات، تنها هدف پیش روی من است. آنچه از تحولات، پیرامون ما می‌گذرد، موجب می‌شود تا مسئولیت خود را بیش از هر زمان دیگری شناخته و تلاش کنیم تا با امنیت و استقلال سیاسی و اقتصادی میهن، به هیچ بهانه‌ای بازی نکنیم. من به تنهایی قادر به نجات کشور نیستم و این وظیفه‌ی همگان است که در راه این هدف بزرگ با من همراهی کنند. نجات کشور پیش از آن که ماموریت سیاستمداران باشد، به مردم ارتباط دارد."

در آخرین تحلیل باید اذعان کرد که اگرچه در پی انعقاد توافق نامه دوحه و انتخاب ژنرال سلیمان جهت تصدی پست ریاست جمهوری، لبنان پس از سال‌ها جشن ملی و شادمانی عمومی را تجربه کرد و پس از مدت‌ها تنش و رویارویی با چالش‌های مختلف، آرامشی نسبی را برای مردم به ارمغان آورد، اما تردیدی نیست که میشل سلیمان برای ایجاد یکپارچگی و وحدت در عرصه سیاسی لبنان، مشکلات بسیاری پیش رو خواهد داشت.